



مطالعه تطبیقی سیاستگذاری دولت های ج.ا.ایران و ترکیه در حوزه فعالیت های حزبی

امیرعباس فارسی نژاد

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

a.farsinezhad110@gmail.com

حسن عیوض زاده

گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

eivazzadeh@iau.ac.ir

مهدی خوش خطی

گروه روابط بین الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

m.khoshkhati55@gmail.com

چکیده

حزب یک نهاد سیاسی مدرن است و به گروه یا مجموعه ای سازمان یافته از افرادی اطلاق می شود که دارای اندیشه های سیاسی مشترکی بوده، و برای اهداف خاص تلاش می کنند. از مهمترین اهداف حزب می توان به انتقال خواسته ها و مطالبات مردمی به مراکز تصمیم سازی و اثر گذاری در میزان مشروعیت و مقبولیت نظام های حاکم اشاره کرد. دو کشور ایران و ترکیه در جهان اسلام از سابقه طولانی در تشکیل احزاب و گروه های سیاسی برخوردارند. هرچند در امر سازماندهی و جلب شایسته مشارکت مردم با هدف توسعه سیاسی با تراز مطلوب فاصله زیادی دارند. به نظر می رسد بعد از انقلاب اسلامی ایران فرایند تکوین نظام حزبی در ایران در مرحله گسترش قرار گرفته و هنوز به مرحله نهادمندی پا نگذاشته است اما در ترکیه این موضوع با مدل های مدرن حزبی در دنیا تشابه بیشتری یافته است. ما در این مقاله قصد داریم با عنایت به قرابت های فرهنگی و اجتماعی و همسایگی ضمن مقایسه تطبیقی نظام سیاسی ج.ا.ایران با نظام سیاسی ترکیه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و در چهارچوب نظریه ی پاتریس دیوران به این سوال پاسخ دهیم که «نوع نظام سیاسی دینی - اسلامی ایران در مقایسه با نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه



چه تأثیری در سیاستگذاری‌های حزبی این دو کشور داشته است؟» که یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نوع نظام سیاسی دینی ج. ا. ایران در قیاس با نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه تأثیر مستقیمی روی سیاستگذاری حزبی دو کشور داشته است، بطوریکه وجوه افتراق سیاستگذاری حزبی دو کشور بیشتر از وجوه اشتراک آن است و در نهایت شرایط و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مورد ارزیابی مقایسه‌ای قرار می‌دهیم تا بتوان ثمره این بررسی را که در نوع خود مشابه نداشته است در قالب پیشنهاداتی برای ارتقای عملکرد و نقش آفرینی احزاب در مسیر تحقق دموکراسی واقعی به منظور مشارکت بیشتر و برای تمهید مشروعیت مردمی و پایداری نظام حاکم بکار برد.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، سیاست گذاری حزبی، توسعه، عدالت، نظام سیاسی.

۱. بیان مسئله:

از زمانی که دولت - ملت‌های مدرن پا به عرصه وجود گذاشتند، بررسی موضوع رابطه‌ی حکمرانان و مردم و سهم مردم در قدرت سیاسی به یکی دغدغه‌های مهم فکری اندیشه‌ورزان و فلاسفه‌ی سیاسی تبدیل شد. در واقع هر چه سهم مردم در قدرت سیاسی بیشتر باشد طبیعتاً نظام سیاسی، شکل دموکراتیک می‌گیرد و هر چه این سهم کمتر باشد شکل نظام به سمت خودکامگی سوق پیدا می‌کند. حکمرانی دموکراتیک با داشتن شاخصه‌های شناسایی و احترام به آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به حقوق اقلیت‌ها، تعریف شفاف از حقوق شهروندی و احترام به آن، آزادی بیان و رسانه‌ها، احترام به حقوق زنان، عدم تبعیض بین افراد و گروه‌های سیاسی جامعه، تحزب و تکثرگرایی در جامعه، به عنوان سبک زندگی سیاسی، مورد استقبال دولت - ملت‌های مناطق مختلف جهان قرار گرفته است. یک نظام دموکراتیک در مورد هر یک از شاخص‌های دموکراسی که ذکر آن رفت، دست به سیاستگذاری می‌زند و از خلال این سیاستگذاری‌ها اقدام به اتخاذ تصمیماتی جهت تحقق آن‌ها می‌نماید. طبیعتاً سیاستگذاری‌های دولت - ملت‌ها در مناطق مختلف جهان متفاوت است و این تفاوت بیشتر ریشه در نیازها و ضرورت‌های اجتماعی متفاوت هر کشوری دارد. و سیاست‌های حزبی از طریق همین مجموعه قوانین و مقررات اتخاذ و اعمال می‌گردد. این قوانین و مقررات شامل اصولی از قوانین اساسی، قوانین ویژه‌ی مربوط به احزاب سیاسی، قوانین مربوط به انتخابات، قوانین مربوط به تامین مالی احزاب سیاسی، مقررات اداری، آرای دادگاه‌ها و رویه‌های قضایی، رویه‌های اداری، پارلمان‌ها، و سایر قوانین می‌باشد. به طور کلی هر قانونی که روابط احزاب سیاسی، و سطح جامعه و روابط احزاب سیاسی و حاکمیت را ساماندهی و تنظیم می‌کند، مجموعه‌ی قوانین حزبی یک کشور محسوب می‌شود. اما وقتی که سخن از سیاستگذاری حزبی می‌گردد، موضوعاتی چون شناسایی و جایگاه احزاب، تاسیس و ثبت احزاب، عضویت در حزب، سازمان و تشکیلات داخلی، مسائل مالی، دامنه و محدودیت فعالیت‌ها و مجازات احزاب، نحوه‌ی شرکت در انتخابات و نحوه‌ی حضور در پارلمان مطرح می‌گردد. نظام‌های سیاسی، با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی خود، و نتیجه‌ی ارزیابی از کارکردهای حزب، چه منفی و چه مثبت، برای جامعه و نظام سیاسی، سیاستگذاری می‌نمایند و رهیافتی که آنها برای تنظیم و ساماندهی چنین اموری در پیش بگیرند بر کارآمدی و ناکارآمدی احزاب سیاسی تأثیر مستقیم دارد. در واقع زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف می‌تواند سیاستگذاری حزب را تحت تأثیر قرار دهد. در این مقاله قصد داریم، سیاستگذاری حزبی دو کشور ج. ا. ایران و ترکیه را با توجه به قرابت‌های فرهنگی و



اجتماعی، همسایگی و نوع نظام سیاسی متفاوت آنها، مورد مقایسه‌ی تطبیقی قرار دهیم. یعنی چگونگی تأثیر پذیری سیاستگذاری حزبی در ج.ا.ایران و ترکیه از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نوع نظام سیاسی این دو کشور را با روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه پاتریس دیوران مبنی بر ارجحیت دادن علوم سیاستگذاری به مطالعه مسائل عمومی که در درون خود بسیاری از متغیرهای جامعه شناختی را همگون میکند (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۶) مورد بحث قرار داده تا با وجوه اشتراک و افتراق سیاستگذاری حزبی در ج.ا.ایران و ترکیه آشنا شده و در نهایت نقاط ضعف و قوت آن‌ها را مورد ارزیابی مقایسه‌ای قرار دهیم. وجوه نوآوری و افتراق این پژوهش از این جهت مطرح است که در پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است مقایسه تطبیقی سیاستگذاری دولت‌های ج.ا.ایران و ترکیه در حوزه فعالیت‌های حزبی پژوهشی گردآوری نشده است.

۲. مفاهیم:

۲-۱. مفهوم احزاب

حزب در اصطلاح با داشتن شخصیت حقوقی مستقل به سازمان سیاسی ای اطلاق می شود که از « همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن یک تشکیلات منظم، برنامه های سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت برای نیل به آرمانشان از دیگر اشکل سازمانی مانند جبهه و گروه سیاسی مشخص می شود، و معمولاً برای گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می کند.» (آقا بخشی، ۱۳۷۵: ۲۸۳)

احزاب به شکل نوین همزمان با استقرار نظام های انتخاباتی، خصوصاً پارلمان ها از قرن نوزدهم شکل گرفتند. این احزاب در آغاز به شکل کمیته های انتخاباتی ظاهر شدند تا هم حمایت یک طیف خاص فکری را از یک کاندیدا اعلام کنند و هم وجوه مالی لازم را برای مبارزات انتخاباتی فراهم سازند. (دوورژه، ۱۳۶۹: ۱۳۷) هدف اصلی و نهایی آنها به دست گرفتن قدرت سیاسی محلی یا ملی از طریق مبارزات انتخاباتی و یا حفظ قدرت بود.

۲-۲. سیاستگذاری حزبی

سیاستگذاری احزاب معمولاً براساس اندیشه آزادی احزاب شکل می گیرد و تدوین سیاست ها و قوانین و ضوابط برای تحزب و اصول تحزب و چهارچوب فعالیت‌های حزبی بر اساس مبانی و ضوابط هر نظام سیاسی تنظیم می گردد. ممکن است در یک نظام سیاسی بر تقویت و گسترش احزاب مردمی خدا محور استوار باشد، مانند جمهوری اسلامی ایران و ممکن است در یک نظام سیاسی بر تقویت و گسترش احزاب بر اندیشه های لیبرالیسم و سکولار استوار باشد مانند ترکیه، به طور کلی احزاب، در چارچوب قوانین هر نظام سیاسی و بر اساس ضوابط و مصالح ملی آن نظام سیاسی در فعالیت های خود آزادند. دومین پایه برای سیاستگذاری درباره تحزب و احزاب، قانون اساسی هر نظام سیاسی است. به طور مثال در قانون اساسی ج.ا.ایران در همه جا به حقوق مردم و آزادی به ویژه آزادیهای اجتماعی توجه شده و مورد تاکید قرار گرفته است. (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

۲-۳. کارکرد احزاب سیاسی



برجسته ترین فعالیت احزاب، شرکت در انتخابات و مبارزه انتخاباتی می باشد. «موریس دوورژه» جامعه شناس و حقوقدان فرانسوی احزاب سیاسی را چرخ دنده ماشین دموکراسی (عالم، ۱۳۷۵: ۳۴۵) و مارکس وبر حزب را فرزند دموکراسی در غرب می داند. (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۳) از نظر کار ویژه احزاب سیاسی، قبل از هر چیز همانطور که ذکر شد، مجاری مؤثری برای رقابت و مشارکت سیاسی هستند. آنها از این طریق با تسهیل انتقال مسالمت آمیز قدرت، به اقتدار حکومتی مشروعیت می بخشند. و از طرفی احزاب با تجمع منافع در جهت حفظ و تداوم حکومت، فرصت ایجاد ائتلاف هایی از منابع قدرتمند را فراهم می کنند. آنها می توانند، مانند مجرای انتقال مطالبات به نظام سیاسی و اعمال فشار از پایین به بالا عمل کنند، ابزاری برای تحرک اجتماعی و دستیابی به مشاغل سیاسی و به فراخور نیاز، در جهت بسیج توده ها و مهار منازعات عمل کنند. و بر سیاست عمومی تأثیر و نظارت داشته باشند و ثبات سیاسی جامعه را حفظ کنند، افزون بر آن در آموزش سیاسی و جامعه پذیری سیاسی مردم بکوشند. (آل غفور، ۱۳۹۱: ۸۶) از طرفی احزاب در نظامهای مختلف سیاسی از کارکردهای متفاوتی برخوردار هستند، اما از یک منظر، کارویژه های احزاب، عمدتاً شبیه به هم است و بنابراین، در دو دسته اساسی تقسیم بندی می شوند که بخشی از این کارویژه ها، آموزشی و اجتماعی، و بخشی دیگر، کسب قدرت از طریق شرکت در انتخابات های مختلف است. در این ارتباط به نظر بعضی از اندیشمندان اشاره می کنیم، «کینگ مرتن»، دو دسته کارکرد آشکار و پنهان را برای احزاب در نظر می گیرد و کارکردهای آشکار آن را شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در انتخابات و سازمان دادن به انتخاب شوندگان و اعمال نفوذ بر آنها می داند و کارکردهای پنهان حزب را در برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی و جذب افراد جدید و مدیریت منازعه می داند. (حسینی، ۱۳۷۸: ۴۱) «نقیب زاده» دو دسته کارویژه انتخاباتی و آموزشی برای احزاب قائل است. که کارویژه های انتخاباتی حزب عبارتند از: شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها، تأثیرگذاری بر منتخبان، اما کارویژه های آموزشی احزاب عبارتند از: اطلاع رسانی، آموزش توده ها برای مشارکت سیاسی، جامعه پذیری. (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۷۰) «آلموند» کارویژه احزاب را، نظارت یا نفوذ در ارگان های قدرت و پیوند و تجمیع منافع می داند. (آلموند، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۴)

۳. احزاب در ج.ا.ایران

سابقه پیدایش احزاب و گروههای سیاسی در ایران به بعد از دوران نهضت مشروطه بازمیگردد. درواقع در دومین دوره مجلس شورای ملی، افرادی نظیر تقی زاده و دهخدا تحت تأثیر مشاهدات خود در کشورهای دیگر به فکر ایجاد احزاب سیاسی افتادند و با تقلید از عنوان «سوسیال دموکرات» حزب «اجتماعیون، عامیون» را به عنوان اولین حزب رسمی در ایران برپا ساختند. وبعد از اشغال ایران توسط متفقین و ایجاد فضای باز سیاسی باعث شکل گیری احزاب دیگر در ایران مانند: حزب دموکرات ایران به رهبری قوام السلطنه، حزب زحمتکشان ایران به رهبری مظفر بقایی، جبهه ملی، حزب توده، حزب ایران (احمد زیرک زاده)، حزب مردم (۱۳۳۶-اسدالله علم)، حزب ملیون (۱۳۳۷- منوچهر اقبال)، حزب ایران نوین (حسنعلی منصور)، حزب رستاخیز (۱۳۵۴) که بیشتر آنها احزاب وابسته به دربار بودند و بعضی از آنها نیز بیشتر به گروه سیاسی شبیه بودند تا حزب. بعد از انقلاب اسلامی، بیشتر جریانهای سیاسی و گروه سیاسی در ج.ا.ایران فعال بودند، بعد از جنگ تحمیلی و به خصوص در در دهه هفتاد شمسی شاهد، شکل گیری و جناح بندی های سیاسی در سه قالب: الف) احزاب اصلی اصلاح طلب، مانند: حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اعتماد ملی، مجمع روحانیون مبارز، حزب اسلامی کار، حزب مردم سالاری،



حزب جامعه مدنی همدان، حزب همبستگی ایران اسلامی ب) احزاب جناح راست مانند: حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، حزب نواندیشان ایران اسلامی، جبهه پایداری، جامعه اسلامی مهندسين ج) احزاب نزدیک به اصلاح‌طلبان مانند: حزب اعتدال و توسعه، حزب اسلامی رفاه کارگران و اعتدالیون، حزب کارگزاران سازندگی هستیم، و به طور کلی باید جناح بندی سیاسی درج. ۱. ایرن را در سه جناح راست، مستقل و جناح چپ تقسیم کرد که هر کدام دارای گروه بندیهای خاصی هستند که به اثرگذارترین آنها یعنی جناح راست و جناح چپ اشاره می‌کنیم. (یاری، ۱۴۰۳: ۷۶)

۱-۳. جناح اصولگرا (راست):

این جناح شامل گروههای سیاسی راست سنتی، راست میانه و راست مدرن می‌باشد که تحت جریان اصول گرایی در ادبیات سیاسی ایران شناخته می‌شود. که هر یک دارای زیر مجموعه های سیاسی هستند، که عبارتند از:

الف) راست سنتی: این گروه سیاسی شامل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه اسلامی و جبهه پایداری است، حزب اخیر در دهه هشتاد و برای حمایت از ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد ظهور کرد.

ب) راست میانه: این گروه سیاسی شامل حزب اعتدال و توسعه، حزب چکاد آزاد اندیشان، حزب تمدن اسلامی می‌باشد، این گروه سیاسی بعد ها تحت عنوان میانه روها شناخته شدند.

ج) راست مدرن: این گروه سیاسی شامل حزب کارگزاران سازندگی می‌باشد هرچند این گروه متمایل به جریان اصلاح طلبی است.

۲-۳. جناح اصلاح طلب (چپ):

این جناح شامل گروههای سیاسی چپ سنتی، چپ میانه و چپ مدرن می‌باشد که در ادبیات سیاسی ایران به عنوان اصلاح طلبان شناخته می‌شوند و هر یک دارای زیر مجموعه های سیاسی هستند.

الف) چپ سنتی ارزش گرا: که شامل مجمع روحانیون مبارز، حزب اعتماد ملی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب اسلامی کار می‌باشد.

ب) چپ میانه: که حزب همبستگی ایران اسلامی را شامل می‌شود.

ج) چپ مدرن: که شامل جبهه مشارکت اسلامی (انحلال ۱۳۸۸) و دفتر تحکیم وحدت می‌شود.

۴. سیاست گذاری احزاب و شروط آن در ج.ا.ایران:

سیاست‌گذاری کلان در نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه دین اسلام و مذهب تشیع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌گذاری حزبی هم به تبع سیاست‌گذاری کلان بر پایه یکسری اصول اساسی است که عبارتند از: الف) اسلام و دیدگاههای اسلام درباره حزب، ب) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق ملی مورد تأیید ملت و مورد تنفیذ ولی فقیه عادل، ج) اصول و مبانی اصلی مربوط به حزب و احزاب بر اساس مبانی علمی و شرایط جهانی و منطقه ای و ملی و مفاهیم و کاربرد های حزب در جهان معاصر (قانون احزاب و تشکلهای مصوب ۱۳۹۴) براساس فرهنگ دینی حزب دارای ارزش ذاتی در خود نیست، بلکه وسیله نیل به اهداف برتر و تحقق الگوی آرمانی جامعه دینی است.



(براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۳۲۵) با نگاهی به متون دینی در می یابیم که اسلام، هیچ گونه منعی در شکل و حرکت جمعی ندارد و جز در مواردی که امکان کار جمعی وجود ندارد و کار باید فردی انجام شود، در سایر موارد توصیه ای به حرکت انفرادی ندارد.

بدین ترتیب حزب در اسلام ممنوع نیست، بر اساس بینش اسلامی، تمام پدیده ها و جبهه ها به دو جناح حق و باطل تقسیم می شوند. (مجموعه مقالات حزب و توسعه سیاسی (۲)، حزب در ایران، ۱۳۸۷: ۱۰۷) در قرآن کریم آیاتی دیده می شود که در آنها به اموری توصیه شده است که به انجام رساندن صحیح آنها جز با داشتن تشکیلات امکان پذیر نیست. به عنوان نمونه آیات ۸۱ تا ۲۲ سوره مجادله، آیه ۳۳ سوره مائده و همچنین آیه ۳ سوره فاطر با معرفی حزب الله، بر امر تشکیل حزب صحه می گذارد. سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی، آزادی احزاب است و تدوین سیاست ها، قوانین و ضوابط برای حزب و اصول و چهارچوب فعالیتهای حزبی بر اساس مبانی و ضوابط اسلام تنظیم می گردد. سیاست نظام اسلامی بر تقویت و گسترش احزاب مردمی خدامحور است و آماده کردن زمینه برای اینکه احزاب با دیدگاههای متفاوت بر خدا محوری و حق محوری استوار گردند.

۶. احزاب در قانون اساسی ایران

یکی از اسناد بالادستی درباره جایگاه حزب و احزاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که البته در سیاستگذاری های کلان این موضوع نیز نقش مهمی را ایفا میکند، چرا که مسلماً در هیچ موضوعی نمیتوان بدون توجه به بسترهای قانونی، سیاستگذاری های موثر و منتج به نتیجه را تنظیم و تدبیر نمود و یا ضمانت اجرایی برای آن متصور بود. در قانون اساسی به حقوق مردم و آزادی به ویژه آزادیهای اجتماعی توجه شده و مورد تاکید قرار گرفته است. اصول: ۱۳-۱۴-۲۳-۲۶-۲۷-۳۲-۳۳-۳۹-۴۰ بیش از سایر اصول قانون اساسی به این امر مهم توجه دارند. اصل ۲۶ بر آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی شناخته شده، تصریح دارد که هیچ کس را نمی توان از شرکت در احزاب منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت، بنابراین در قانون اساسی بر اصل حزب و آزادی احزاب و آزادی عضویت یا عدم عضویت و عدم اجبار در عضویت احزاب و تشکلهای تاکید شده است. (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) از سوی دیگر در قانون اساسی، آزادی احزاب محترم شمرده شده و برای آن شروطی گذاشته است و این شرط در واقع برای حفظ آزادی احزاب و آزادی در نظام است نه مشروط کردن یا محدود نمودن آزادی احزاب. زیرا تصریح دارد: «احزاب آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» (همان) نقض اصول استقلال یعنی حزبی یا تشکلی بر خلاف استقلال نظام جمهوری اسلامی در جهت وابستگی که اسارت آور و ضد آزادی است اقدام کند. نقض اصول آزادی یعنی حزبی در جهت مغایر و متضاد با آزادی کار کند. نقض اصول وحدت ملی یعنی حزبی تفرقه و شکاف بین ملت بیندازد. نقض موازین اسلامی یعنی حزبی علیه موازین اسلامی که آزادی آور برای ملت ایران بوده، فعالیت نماید. نقض اساس جمهوری اسلامی یعنی تشکلی بخواهد براندازی کند یا جمهوری اسلامی را از بین ببرد.

۸. احزاب در ترکیه

نخستین گام های شکل گیری احزاب در ترکیه در زمان عثمانی ها برداشته شد. یعنی بستر شکل گیری احزاب و جریان های سیاسی به پیش از روی کار آمدن آتاتورک باز می گردد. اگر چه حزب جمهوری خواه خلق به عنوان نخستین حزب در زمان



آتاتورک تشکیل شد، اما توجه به حقوق شهروندی و برابری خواهی و نیاز به تدوین قانون اساسی، پیش از به قدرت رسیدن آتاتورک در ادبیات سیاسی ترکیه شکل گرفت. اما این کشور از دهه ۱۹۲۰ که شاهد شکل گیری نخستین حزب بود و تا دهه ۱۹۵۰ به صورت تک حزبی اداره می شد و تاریخ شکل گیری احزاب به زمان آتاتورک محدود نمی شود. احزاب در طول دوران جمهوری ترکیه نقش مهمی در ساختار سیاسی این کشور داشته اند و جریان های کمالیستی و لائیک نیز دارای نقشی تأثیرگذار در فضای سیاسی این کشور هستند. در این بین تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه اکثریت قاطع احزاب با حمایت ارتش این کشور به قدرت می رسیدند و اداره کشور را با پشتیبانی نیروهای نظامی برعهده داشتند. (ر.ک: طاهایی، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

۸-۱ احزاب سکولار

مثل حزب جمهوری خواه خلق که نخستین حزب سیاسی ترکیه است که در ۱۹۲۳ بوسیله کمال آتاترک تاسیس شد این حزب سردمدار لائیسزم و کمالیسم در ترکیه بوده و همواره از حمایت نظامیان برخوردار بوده است. و اکنون حزب اصلی اپوزیسیون ترکیه می باشد. رئیس فعلی این حزب کمال قلیچ دار اوغلو می باشد. (ر.ک: امام جمعه زاده، ۱۳۹۲)

۸-۲ احزاب اسلام گرا

مثل حزب عدالت که نجم الدین اربکان در ۱۹۷۰ آن را تاسیس کرد و برای اولین بار اسلام گرایان از یک سازمان حزبی دائمی برخوردار شدند که از طریق آن می توانستند به مبارزات انتخاباتی بپردازند. (ر.ک: سیاری، ۱۳۶۸)

و همچنین حزب عدالت و توسعه (AKP) که حزب سیاسی حاکم در ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا کنون می باشد، این حزب خود را از احزاب راست گرا و میانه معرفی می کند و در انتخابات ۲۰۲۳ با کسب بیش از ۳۵ درصد آرا ۲۶۸ کرسی از مجموع ۶۰۰ کرسی مجلس ترکیه را بدست آورده است رهبر کنونی حزب رجب طیب اردوغان است.

عدالت و توسعه از هنگام تأسیس خود را به عنوان یک حزب طرفدار غرب و طرفدار رابطه با آمریکا در فضای سیاسی ترکیه مطرح کرده که از اقتصاد بازار آزاد لیبرالی و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت می کند.

بدنه اجتماعی این حزب طیف وسیعی از گرایش های راست گرا شامل اسلام گراها، اصلاح طلبان اسلام گرا، محافظه کاران، ملی گراها، راست های میانه و طرفداران تجارت را در بر می گیرد.

نظام سیاسی حاکم بر ترکیه به طور اخص حزب عدالت و توسعه با ساختاری سکولار درعین حال همواره خود را به عنوان یک دولت و نظام سیاسی مدافع اسلام در سطح منطقه و جهان مطرح کرده است. که به نوعی در حال حاضر با همراهی و همگامی نسبی با احزاب لائیک ترکیه نقش فعالانه ای در عرصه سیاست و حکومت دارد. (ر.ک: خلیج منفرد، ۱۳۹۵)

۹. احزاب در قانون اساسی ترکیه

فصل چهارم قانون اساسی ترکیه اختصاص به حقوق و تکالیف سیاسی دارد. بخش سوم از این فصل احکام مربوط به احزاب سیاسی را بیان کرده است. قانون اساسی ترکیه احزاب سیاسی را از عناصر حیات سیاسی دموکراتیک معرفی می کند. به موجب ماده



۶۸ قانون اساسی ترکیه شهروندان دارای حق تشکیل حزب، عضویت در احزاب طبق اصول و قواعد آنها و استعفا از آنها را دارند. در ترکیه و مطابق قانون اساسی این کشور، احزاب سیاسی بدون نیاز به اخذ اذن تشکیل می‌شوند اما باید فعالیت‌های خود را در چارچوب قانون اساسی و احکام قانونی ادامه دهند. بر اساس ماده ۶۸ یکسری محدودیت برای احزاب مقرر شده است. بر این اساس اساسنامه احزاب برنامه‌ها و فعالیت‌های آنها نمی‌تواند با استقلال مملکت، تمامیت جدایی‌ناپذیر ارضی، حقوق بشر، برابری و اصول دولت مبتنی بر حقوق، حاکمیت ملت و اصول جمهوری لایبک و دموکراتیک مغایر باشد یا با هدف برقراری استبداد گروه یا طبقه‌یی خاص یا دفاع از هر نوع دیکتاتوری نمی‌تواند باشد یا ارتکاب جرم را تشویق کند. همچنین مطابق قانون اساسی ترکیه دولت موظف به کمک مالی به احزاب شده است. این کمک باید به اندازه مکفی و به اندازه حق احزاب باشد. احزاب سیاسی نمی‌توانند وارد فعالیت‌های تجاری شوند و درآمدها و مخارج احزاب سیاسی باید متناسب با اهداف آنها باشد. نظارت بر احزاب اصولاً با دادگاه قانون اساسی است، لذا این دادگاه می‌تواند مطابق اصول ماده ۶۹ با شرایطی احزاب را منحل اعلام کند. (ر.ک: قانون اساسی ترکیه)

۱۰. سیاست‌گذاری و نقش احزاب در ترکیه

جریانهای اصلی فکری و اجتماعی ترکیه یعنی «غرب‌گرایی»، «اسلام‌گرایی» و «ملت‌گرایی» که در دوران عثمانی شکل گرفته بود در دوره ی جمهوریت استمرار و تکامل یافت و تعارضات و تقابل‌های ناشی از دوگانه‌های غرب‌گرایی - اسلام‌گرایی، ملت‌گرایی ترکی - ملت‌گرایی کردی و بالاخره دوگانه سنی‌گری - علوی‌گری، موجب تعمیق شکافهای اجتماعی، قومی و مذهبی در ترکیه گردید. شکافهایی که در دهه‌های آخر قرن بیستم ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و بحرانهای شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورد حزب عدالت و توسعه از درون این شکافها متولد شد و تلاش کرد با ارائه تصویری نو و متفاوت از احزاب موجود در ترکیه از این شکافها عبور کند و بر بحرانهای کشور فائق آید. (خلج منفرد، ۱۳۹۵: ۶۸) بنابراین باید گفت که سیاستگذاری کلان دولت ترکیه برای احزاب این کشور بر پایه اصولی متشکل از ملی‌گرایی لائیک، اسلام‌گرایی سنی، اسلام‌گرایی علوی، قومیت‌گرایی ترکی و کردی و نوعی غرب‌گرایی همراه با اندیشه‌های سکولار می‌باشد به این معنا که با توجه به تعدد احزاب بر مبنای قانون اساسی ما شاهد علایق فوق در ایجاد احزاب مختلف در ترکیه هستیم که آزادانه در چهار چوب قانون اساسی به فعالیتهای خود در جامعه ترکیه مشغول هستند. البته نوعی اقتدارگرایی در سطوح مختلف در جامعه سیاسی به خصوص با تغییرات در قانون اساسی در ترکیه مشاهده می‌شود که به نوعی آزادی احزاب را تحت الشعاع قراردادده است. پیمان‌گذار میان ارتش و نهادهای مدنی و نهادهای قدرت مثل گروه‌های تجاری می‌تواند به کارکرد مثبت احزاب سیاسی در کنار شبکه‌های اجتماعی گسترده کمک کند. این شبکه‌ها با اینکه نمی‌توانند جایگزین احزاب شوند لیکن می‌توانند به فرهنگ دموکراتیک یاری برسانند. از سوی دیگر اگرچه احزاب هنوز برای ایجاد فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بسط آزادی‌های مدنی، مشارکت سیاسی، کارایی حکومتی و فرایند پلورالیزم موثر هستند ولی هنوز سیاستگذاران این کشور بایستی قدمهای بیشتری در این زمینه بردارند. (ر.ک: الماسی ورمه، ۱۴۰۱)

آنچه از موضوعات مطروحه در فوق برمی‌آید این است که روند سیاستگذاری حاکم بر احزاب ترکیه با هدف توسعه سیاسی نقش مهمی را در جایگاه و معادلات قدرت این کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی ایفا کرده است.



۱۱. مقایسه احزاب ج.ا.ایران و ترکیه:

با توجه به مطالبی که در قسمت‌های قبلی بیان کردیم باید اذعان کرد که به لحاظ ساختار و کارکرد احزاب در ایران و ترکیه تفاوت‌های بسیاری داشته و همچنین به لحاظ مبانی نیز اختلافات اساسی با هم دارند زیرا مبانی احزاب در ایران با توجه به قانون اساسی ج.ا.ایران بر آموزه‌های دین اسلام و ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعه مبتنی گشته است که با نگاه به مصالح جامعه، نظام حاکم و شرایط ایران در عرصه بین الملل شکل گرفته است در حالیکه مبانی احزاب در ترکیه بر مؤلفه‌های متعددی همچون غرب گرایی، ملی گرایی، اسلام گرایی، سکولار، لائیک، تعارضات غرب گرایی - اسلام گرایی، ملی گرایی ترکی - ملی گرایی کردی و سنی گرایی - علوی گرایی استوار می‌باشد به طوری که تقریباً عرصه برای انواع تفکر و اندیشه برای فعالیت احزاب فراهم شده است. به همین خاطر نقش احزاب سیاسی در ترکیه محوری تر از شرایط احزاب در ایران بوده و این کشور دارای سیستم و نظام حزبی سازمان یافته تری می‌باشد. در ایران حزب به معنای واقعی و به معنی شناخته شده آن در دنیای سیاست کمتر شکل گرفته است و تجربه دولت مدرن مبنی بر سازوکارهای دموکراسی غربی را نداریم البته نوعی از مردم سالاری، خاصه مردم سالاری دینی در ایران وجود دارد که مبتنی بر سیاستگذاری‌های کلان و اصل ولایت فقیه توانسته است با متناسب سازی مقبولیت‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی فضای حاکم بر تفکرات حزبی، نهادی و مردمی را فارغ از مدل تحزب به اصطلاح مدرن غربی، هدایت نماید.

از نگاه دیگر میتوان گفت فعالیت ائتلاف‌ها و گروه‌های سیاسی که نقش احزاب را در ایران بازی میکنند در انتخابات‌ها تقریباً بصورت دوره ای و کوتاه مدت است چراکه در موقع انتخابات ظهور پیدا می کنند و بعد از انتخابات هم خاموش میشوند. این گروه‌های سیاسی تأثیر اندکی در مشارکت سیاسی و عمیق شدن موضوع تحزب در جامعه را دارند، چرا که احزاب در ایران تلاش نمی کنند به عنوان سازمان طبقاتی اقشار یا طبقات خاص به صورت بلند مدت عمل کنند، و اصولاً گروه‌های سیاسی پوپولیسم محور در بزنگاه‌های انتخابات نماینده همه اقشار جامعه شده و از جانب همه با اهداف خاص خودشان موضع گیری می کنند، بنابراین اگر واقع بینانه نگاه کنیم میتوانیم بگوییم بدلیل سیاستگذاری‌های ناقص و نا متناسب با ارکان فرهنگی، اعتقادی، سیاسی ملت و نظام حاکم، احزاب در ایران کارکرد واقعی خود را هنوز پیدا نکرده اند. این در حالیست که باید اذعان کرد که سیاست ورزی حاصل کار جمعی است و از منظری بخشی مهم از زندگی اجتماعی و سیاسی انسانهاست لذا بایستی در یک جامعه فضای گفتگو و اقناع را برای اقشار با اندیشه‌های مختلف در چارچوب متعارف و ذیل قوانین باز کرد که احزاب بتوانند با اختیارات بیشتر و در قالب سیاستگذاری‌های کلان حکومت آحاد جامعه را در بستر پیشرفت و تقویت کشور هدایت نمایند.

پس به طور کلی تفاوت‌های زیادی چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ مبانی سیاستگذاری بین احزاب ایران و ترکیه وجود دارد و شاید نتوانیم برای آنها اشتراکات زیادی چه در عملکرد و چه در نوع شکل گیری متصور باشیم لیکن در جدول ذیل با ۲۵ شاخص موضوعات مختلف کارکردی، ماهیتی، قانونی و ساختاری تاثیرگذار در حوزه سیاستگذاری حزبی دو کشور ایران و ترکیه را مقایسه کرده ایم:



ردیف	شاخص مقایسه	جمهوری اسلامی ایران	ترکیه
۱	ماهیت نظام سیاسی	دینی - اسلامی	سکولار
۲	مبنای سیاستگذاری فعالیت احزاب	دین اسلام و قانون اساسی	قانون اساسی و توسعه سیاسی
۳	نگاه ساختاری یا کارکردی	غالباً ساختارگرایانه	غالباً کارکردگرایانه
۴	دیدگاه به اثرگذاری احزاب	ارزش مدار	توسعه مدار
۵	تعداد اصول قانونی مربوط به احزاب	۲ اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی	۱ اصل ماده ۶۹ قانون اساسی
۶	سن قانونی برای عضویت حزبی	۱۸ سال	۱۸ سال
۷	اجازه فعالیت اقتصادی احزاب	ممنوع است	ممنوع است
۸	نحوه تامین مالی احزاب	روال مشخصی ندارد	توسط دولت تامین میشود
۹	بروکراسی برای فعالیت احزاب	زیاد	کم
۱۰	تعدد احزاب ثبت شده قانونی	۲۴۰ حزب	۱۶۰ حزب
۱۱	نزدیکی سیاستهای اعلامی و اعمالی	بسیار کم	متوسط
۱۲	روش برای شرکت احزاب در انتخابات	غیرمستقیم و تا حدودی مبهم	مستقیم و شفاف
۱۳	شناخت مردم از احزاب کشور	بسیار کم	زیاد



۱۴	نحوه ورود به نامزدی در انتخابات	غالباً فردی و حمایت ائتلافی از جناح اصولگرا یا اصلاح طلب	حزبی و ائتلافی با احزاب همسو
۱۵	نیاز به کسب مجوز فعالیت از دولت	دارد	ندارد
۱۶	فعالیت در راستای قانون اساسی	ضروری	ضروری
۱۷	سیاست کلان در نقش دهی به احزاب	بسیج طرفداران و مردم درانتخابات	تبدیل اقتصاد دولتی به خصوصی
۱۸	توجه به مبانی دینی و فرهنگی بومی	زیاد	کم
۱۹	نظارت بر عملکرد و مواضع احزاب	متوسط	کم
۲۰	نگاه تحولی در سیاستگذاری احزاب	بسیار کم	زیاد
۲۱	وابستگی احزاب به افراد خاص	زیاد	متوسط
۲۲	توجه به معادلات بین المللی	کم	زیاد
۲۳	کادر سازی برای اداره کشور	کم	خوب
۲۴	میزان حزب گریزی مردم	زیاد	کم
۲۵	ضرورت بازبینی سیاستگذاری حزبی	زیاد	متوسط

جدول مقایسه ای شاخص های سیاستگذاری حزبی در دو کشور ایران و ترکیه

نتیجه گیری :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، احزاب و گروه های متعددی در عرصه سیاسی- اجتماعی ایران ظاهر شدند. فعالیت احزاب در این دوران نتایجی را برای نظام اسلامی به همراه داشته و در قانون اساسی ایران، آزادی احزاب و گروه ها و امکان



تشکیل آنها مطرح شده است. اما از مهم ترین عرصه های ظهور و حضور احزاب و گروه های سیاسی حضور در انتخابات می باشد، در آستانه انتخابات مختلف ما شاهد ظهور احزاب یا ائتلاف های سیاسی گوناگون هستیم، به دلیل اینکه انتخابات از دید جامعه نقش مؤثر و کارایی احزاب را نشان می دهد. بدین ترتیب در بیشتر کشورهای دموکراتیک جهان شفافیت و ابهام زدایی در عرصه انتخابات ها خاصه انتخابات ریاست جمهوری است و احزاب و نامزدها با توجه به نگاه کاملاً تعریف شده در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای همگان شناخته شده و بر اساس ایده و برنامه ای مدون وارد صحنه انتخابات می شوند. با توجه به اینکه در قوانین اساسی ایران و ترکیه بر اداره دموکراتیک هر کشور تأکید شده است، و از جمله اهداف مشترک دموکراسی استفاده از احزاب برای دستیابی به برنامه های خاص مربوط به امور سیاسی و اقتصادی و توسعه اجتماعی می باشد به همین منظور برنامه هایی برای تعالی یا روش هایی برای رسیدن احزاب به این برنامه های مشخص وجود دارد. در کشور ترکیه از هنگامی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه موفق شد آرام آرام از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی پایه ای اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت مستحکم کند و کانونهای قدرت این کشور را بطور کامل در اختیار بگیرد منجر به تغییر چهره این حزب از یک حزب فراگیر به یک حزب اقتدار گرای شخص محور شد، این تغییر با مخالفت های شدیدی مواجه شد و بار دیگر به شکافها و اختلافات سیاسی، قومی و مذهبی در این کشور دامن زد.

در نهایت با بررسی شرایط و نوع سیاستگذاری های احزاب دو کشور، باید گفت با وجود اشتراکات در مولفه های سیاسی، فرهنگی و دینی، همانگونه که در بیان مسئله و پیش فرض این پژوهش بیان شد نوع نظام سیاسی دینی ج.ا. ایران با نوع نظام سیاسی سکولار ترکیه تاثیر مستقیمی بر سیاستگذاری های اعلامی و اعمالی هر دو کشور گذاشته و افتراقات عملکردی و سیاستی در مقایسه دو کشور مشهود است. آنچه بر این افتراقات می افزاید نوع نگاه مدیران این دو کشور بر نحوه استفاده از احزاب میباشد. در ترکیه علیرغم سیاست اعلامی میل به دموکراسی و تمهید زمینه حضور احزاب و تفکرات مختلف جناح ها و ادیان و فرق مختلف لیکن مسیر حرکت مخالفین و منتقدین با استبدادی مخفی و تمامیت خواهی از جنس مدیریت اردوگانی به نفع حزب حاکم مدیریت میشود که به گواه تاریخ این نوع سیاستگذاری ها، پایداری بلند مدت دولت را در پی نخواهد داشت و با سابقه تاریخی اسلامگرایان و دیگر فرق که خود را در تحولات مختلف اثر گذار نشان داده اند، ضرورت تغییرات مسالمت آمیز و واقع گرایانه برای اردوغان و حزب متبوعش از ضروریات است.

از سوی دیگر در دولت ج.ا. ایران ضرورت ساماندهی به قوانین و تفاسیر دقیق و شفاف در خصوص احزاب با بستر سازی شایسته و استاندارد برای فعالیت احزاب و با هدف عمق بخشی به دموکراسی مبتنی بر قوانین اسلام و ضروریات حقوق شهروندی از ضروریات توسعه سیاسی و سیاستگذاری دقیق می باشد.

موضوعاتی نظیر وارداتی بودن و غیر ضرور بودن یا بحران منزلت حزب و تحزب در اذهان عامه مردم، قائم به شخص بودن احزاب، تکرر بی کیفیت احزاب، افراط و تفریط و شتابزدگی در تصمیمات احزاب ضرورت ارتقای فرهنگ و نشان دادن اثرات تحزب واقعی و مفید را می نمایاند که این بعهدہ قوای سه گانه و ارکان دست اندرکار از یکسو و از سوی دیگر بر دوش رهبران احزاب است.



لذا بعنوان پیشنهاد به نظر می رسد با وجود تعدد و فراوانی احزاب در ایران، راه کارهای زیر برای توسعه تحزب و فعالیت احزاب در ایران قابل تامل و استفاده باشد:

- نکته اول: مدل سازی احزاب بر مبنای ماهیت نظام سیاسی ایران و جریان های فکری اصلی جامعه شکل بگیرد.
- نکته دوم: قانون نحوه فعالیت احزاب و آئین نامه های آن مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد.
- نکته سوم: احزاب با توجه به میزان فعالیت هدفمند و تأثیرگذاری و سازمان یافتگی، بازسازی و تقویت شوند تا بتوانند به رسالت و اهداف و برنامه های اصلی خود در راستای تلاش برای پیشرفت و توسعه همه جانبه کشور بهتر و مؤثرتر عمل کنند.
- نکته چهارم: با تقویت بعد نظارتی بر احزاب، بخصوص منابع مالی آنها به ارائه گزارش عملکرد خود به دبیرخانه کمیسیون مربوطه موظف شوند و نیز زمینه های تامین هزینه های آنها شفاف و راهگشایی گردد.
- نکته پنجم: اکوسیستم انتخابات با رویکرد تنویر افکار عمومی و مسئولیت پذیری احزاب تنظیم شود.
- نکته ششم: سیاستگذاری ها و قوانین متناقض در توسعه چارچوب مند احزاب اصلاح وزمینه های آموزش و کادرسازی احزاب به منظور پرورش مدیران شایسته اداره کشور فراهم شود .
- نکته هفتم: ملاحظات روز حکمرانی کشور و نظامات بین المللی برای اصلاح سیاستگذاری ها در توسعه سیاسی و پاسخ به نیازهای سیاسی و اجتماعی مردم با برنامه ریزی دقیق تری در نظر گرفته شود تا بیش از پیش شاهد ثبات بهتر در مدیریت سیاسی ، حفظ امنیت و آرامش، وحدت ملی، پایداری و اقتدار نظام در عرصه بین الملل باشیم.
- و نکته پیشنهادی برای دولت ترکیه ضرورت تغییرات مسالمت آمیز و واقع گرایانه با سیاستگذاری های دقیق برای اردوغان و حزب متبوعش در تعامل با احزاب رقیب و جریانهای فعال سیاسی به نظر میرسد که برای ماندگاری حزب عدالت و توسعه در دایره قدرت از ضروریات خواهد بود .



منابع

۱. آقا بخشی، علی، مینو افشاری، (۱۳۷۵) فرهنگ سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.
۲. آل غفور، محمد تقی، (۱۳۹۱) پیامد سیاست ها و برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. آلموند، گابریل ا.، جی. بینگهام پاول جونیور، رابرت جی. مونت، (۱۳۸۱) چهارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش دولتی، چاپ سوم.
۴. اشرف نظری، علی، سلیمی، برهان (۱۳۹۵). حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف های اجتماعی در ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵.
۵. الماسی ورمله، فرزاد (۱۴۰۱) تحلیلی بر نقش احزاب در توسعه سیاسی (مقایسه تطبیقی بین ایران و ترکیه)، ماهنامه جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۱، ص ۵۰۰-۵۰۱۸.
۶. امام جمعه زاده، جواد، رهبر قاضی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام گرایی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳.
۷. براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۹)، بازخوانی آموزه های اسلام شیعی و مسئله تحزب، تهران، نشر عروج.
۸. بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۹)، «قیاسی بر توسعه ایران و ترکیه»، دنیای بهتر، شماره ۱۹، ص ۵-۹.
۹. حسینی، حسین، (۱۳۷۸) حزب و توسعه مبانی، تهران: نشر آمن.
۱۰. خلیج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵)، «اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن برای ترکیه»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره چهارم.
۱۱. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۷۸) مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، تهران، همشهری.
۱۲. دوورژه، موريس، (۱۳۶۹) اصول علم سیاست، ترجمه ی ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
۱۳. سیاری، صبری (۱۳۶۸)، جریانات اسلامی در ترکیه، ترجمه حامد صادقی، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. طاهایی، جواد (۱۳۸۰)، «اسلام گرایی و دولت مدرن در ترکیه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۹.
۱۵. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۵) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۷. قانون اساسی جمهوری ترکیه
۱۸. نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۵) درآمدی بر جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت.
۱۹. نقیب زاده، احمد، (۱۳۷۸) حزب و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران: نشر دادگستر.
۲۰. یاری، علیرضا، (۱۴۰۳) بازتاب چالشهای پیشرفت سیاسی بر سیاست خارجی، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
۲۱. قانون احزاب و تشکل ها مصوب ۱۳۹۴ ابلاغی ۱۳۹۵
۲۲. اشترینان، کیومرث؛ سیاستگذاری عمومی در ایران، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۱۶.